

## هرکسی از ظن خود دشنام داد

### کاظم فرج الهی

دوستانی که این فرم اعتراض را بازدارنده و عقبگرد یا گمراه کننده می دانید؛ بهتر نبود بجای این همه اتلاف وقت در نقد و بدگویی و اتهام زنی در عمل یک گام رادیکال برداشته و به امضاکنندگان بیانیه راه های عملی تر و بهتر اعتراض را نشان می دادید؟

خروجی نشست ویژه تعیین مزد شورایعالی کار در نیمه شب بیستم فروردین ۹۹ گرچه دور از انتظار نبود اما از روال گذشته بسیار ناعادلانه تر بود. مزد مصوب بقدری ناچیز و ناعادلانه بود که "نمایندگان کارگری شورایعالی کار" یعنی کسانی که در جایگاه نماینده کارگران در شورایعالی کار نشست بودند برخلاف روش گذشتگان خود در تمامی سال های گذشته، از تایید و امضا کردن آن خود داری کردند؛ امری که عده ای به غلط آن را خیمه شب بازی خواندند! بر بستر فقر و فلاکت رشد یابنده در زندگی بیشترین شمار مزد و حقوق بگیران طی دهه های گذشته، این بی عدالتی چنان سخت بود که در همان ساعات اول صبح روز بعد و در آن شرایط و محدودیت های ناشی از بحران بیماری کرونا و قرنطینه تعجب و واکنش همگان را برانگیخت. بخشی از این واکنش ها به نوشتن یک بیانیه اعتراضی با بیش از شش هزار امضا منتهی شد. بیشترین شمار این امضاها از آن کارگران بخش های مختلف در تهران و دیگر شهرها و مناطق کارگری مختلفی بود که در آن شرایط با زحمت توانسته بودند به شبکه و فضای مجازی دسترسی داشته باشند و حمایت کنند. اما آنچه که پس از انتشار بیانیه و امضاها مایه شگفتی بیشتر شده واکنش های منفی و متفاوت و بعضا تکرار شونده برخی از محافل و افراد موسوم به فعالان کارگری نسبت به این بیانیه اعتراضی است.

گروه هایی از کارگران و محافل دوستدار طبقه کارگر بنا به دلایل و تحلیل های ویژه خود این نوع واکنش و اعتراض را مناسب و کافی یا خالی از اشکال ندانسته و از پیوستن، امضا و حمایت آن خود داری کردند؛ امری طبیعی. قرار هم نیست همه به یک شکل فکر و یکسان عمل کنند. اما بخش کوچکتري که بهتر است دوستان نابخرد نامیدشان، در نوشته ها و تریبون های مختلف به تحریف و تحریک و نسبت دادن عناوینی نامربوط پرداختند: مانند فرمیست و اصلاح طلب، طرفداری و تایید سه جانبه گرایی، حامی شورای اسلامی کار و نمایندگان آن در شورایعالی کار و حتی حمایت از قانون کار و تحکیم جمهوری اسلامی. پاره ای متأسفانه بی درایتی را به جایی رسانده اند که حتی نام کسانی را، با حدس و گمان، به عنوان نویسنده و سازمان دهنده این بیانیه در به اصطلاح نقد های خود ذکر می کنند. کاری که فقط خوشایند میز محاکمه و بازجویی می تواند باشد. گویا اصلا به مغزشان خطور هم نمی کند که در این دوره و با این همه دسترسی به امکانات ارتباطی تهیه و تنظیم یک بیانیه که قرار است عده

ای امضا کنند حاصل کار یک فرد نمی تواند باشد و توهین به خرد و شعور دیگران است که بگوییم دنباله روانه  
ممتنی را تایید کرده باشند.

برای رفع هر گونه سوء تفاهم لازم است یک نکته روشن دوباره تکرار شود: کسانی که در جایگاه نماینده کارگری  
شورای عالی کار قرار میگیرند نماینده گروهی از کارگرانند که البته در ساز و کاری که چندان هم اصولی نیست  
انتخاب شده اند اما (و این اما خیلی مهم است) نماینده کارگر بودن فی نفسه بار مثبت یا منفی ندارد؛ نماینده کارگران  
می تواند خادم باشد، ممکن است از ابتدا خائن بوده و تحت شرایط خاصی گزینش شده باشد یا در تند پیچی بلغزد و  
خیانت کند. صرفا به اعتبار داشتن نمایندگی نمی توان به کسی تایید صلاحیت یا بار مثبت پیشرو و انقلابی بودن داد  
همانگونه که نفس کارگر بودن یا ادعای فعال کارگری نمی تواند لزوما برای کسی ویژگی پیشرو و ترقی خواه بودن  
را به ارمغان آورد. اشخاص متعددی که طی سی سال گذشته بر صندلی های "نمایندگان کارگری شورای عالی کار"  
نشسته اند همگی برگزیدگان یک تشکل کارگری موسوم به "شورای اسلامی کار" هستند که عده ای از کارگران  
(تحت هر شرایطی) به آن ها رای داده اند. فارغ از سوابق منفی اولیه، این تشکل کارگری نه مستقل است و نه  
صنفي؛ اضافه بر ایدئولوژیک بودن، ساز و کار تشکیل و اساسنامه آن نیز ایرادات بسیار دارد و از جمله زمینه های  
قوی برای دخالت و امریت دولت و کارفرما دارد. اما این ابدان بدان معنا نیست که کارگران سالم و مستقل بویژه در  
بدنه و پایه های این تشکل نمی توانند حضور داشته باشند. از این گذشته، تشکل موسوم شوراهای اسلامی کار حتا  
در میان تشکل های رسمی (و البته نامستقل) موجود نیز نه تنها حایز اکثریت که حتا بزرگترین تشکل هم نیست.  
جهت روشن شدن اذهان دوستانی که مسایل درون محیط های کار را بخوبی نمی دانند لازم است گفته شود که  
امروزه در جامعه کارگری همه ی کسانی از که نزدیک دستی بر آتش دارند واقعیّت ماهیت، وابستگی و عدم  
استقلال و حد پایین ظرفیت و توانایی هایی ادعایی تشکل های رسمی بخوبی روشن است؛ حتا کسانی که در محیط  
های کار ناگزیز به این ها رای میدهند نیز واقعیّت عدم استقلال این تشکل روشن است. این واقعیّت نشانگر پایین  
بودن سطح آگاهی طبقاتی و توانمندی کارگران ایران است. مشکل اینجاست که با توجه به قراردادهای موقت کار و  
موقتی بودن کارها و دلایل دیگر کارگران گزینه ی دیگری برای سازمان یابی در محیط کار را تا کنون نیافته اند.  
اگر امکان دیگری در دسترس و قابل حصول بود بطور حتم به آن رای میدادند و منتظر رای و نظر امثال من و  
شما منتقدین منزه طلب هم نمی ماندند.

نکته های تکراری بالا به این دلیل آورده شد که نشان داده شود تنظیم کنندگان و امضا کنندگان بیانیه و بطور حتم  
بیشترین شمار کارگران اصولا بر این نکات آگاه بوده و نیازی به تکرار و تاکید آن ها در متن بیانیه ندیده اند. یک  
نکته روشن و بدیهی دیگر هم که از فرط بدیهی بودن اغلب دیده نمی شود لازم به یاد آوریم: این که بیانیه ی  
"اعتراض به مصوبه دستمزد" یک بیانیه به منظور اعلام مواضع سیاسی و ایدئولوژیک نیست و امضا کنندگان این  
بیانیه مواضع سیاسی، ایدئولوژیک و طبقاتی خود را هرگاه مایل بوده اند در نوشته ها، سخنان، مناسبت ها و تریبون  
هایی دیگر گفته اند یا خواهند گفت. این فقط یک بیانیه ی اعتراضی و مطالبه گر است که به موارد کلی که تقریبا  
مورد پذیرش همگان است اشاره و یک مطالبه خاص را مطرح می کند، آن هم در شرایط و توازن موجود که نه

جامعه در آستانه انقلاب هست و نه هیچ تشکل کارگری مستقل و کارآمدی موجود است و صفوف کارگران هم آن قدر فشرده و سازمان یافته نیست که سطوح و اشکال دیگری از اعتراض و عمل اجتماعی ممکن باشد.

در چنین شرایطی که در بالا گفته شد و اغلب کارخانجات و محیط های کار نیز بدلیل اپیدمی کرونا تعطیل یا نیمه فعال بوده اند تهاجم به مزد و حقوق کارگران در قالب مصوبه مزدی به حد بی سابقه ای شدت می گیرد و ظاهرا تنی چند تلاش می کنند متنی اعتراضی، مطالبه گر و کوتاه که بتواند در کوتاهترین زمان خوانده شده و تصمیم گیری و حمایت بشود تهیه کنند. البته اگر فرصت و آسودگی بیشتری فراهم می بود بطور حتم متن بهتر و کم ایرادتری نوشته می شد. به خود متن مراجعه کنیم و ایرادات وارده را ببینیم.

شماری از منتقدان مدعی اند که: "در شرایط پس از برآمدهای دیماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ نویسندگان و امضا کنندگان این بیانیه هنوز هم شوراهای اسلامی کار و شورای عالی کار، سه جانبه گرایی و ... را حمایت و تایید می کنند". واقعیت این است که شرایط گفته شده در بالا و این که جامعه در آستانه انقلاب نیست چه دلخواه و مورد تایید من و شما باشد و چه نباشد به هر حال موجود است. انبوه کارگران و خانواده های آنان که از گرانی و نابسامانی عمومی اوضاع به تنگ آمده و در خیابان ها، بدون هویت و پرچم طبقاتی خود رخدادهای دی و آبان را افریدند در کارخانه ها و محل های کار خود پرچمی نیفراشتند و واکنشی نداشتند. در این واحه های سرد و سخت کرونایی می توانی سکوت پیشه کنی و و هیچ نگویی. بگویی مرا با شورای عالی کار و ... و این سامانه های عقب مانده کاری نیست. برسمیت نمی شناسم و سازش نمی کنم و بینداری بزودی که انقلاب شده و کارگران آزاد خواهند شد و همه چیز درست در جای خود قرار خواهد گرفت. تو گویی که امام زمان ... و خلاصه پشت این گونه سخنان و شعارهای رادیکال و انقلابی قرار بگیری و بی عمل بمانی! اما اگر قرار است در این شرایط و روی زمین، که نیرویی برای اعتراض در محل کار و خیابان هم موجود نیست، واکنشی نشان داده برای بهبود شرایط تلاش و مبارزه کنی و بر سر مزد چانه بزنی چه می کردی. روشن است که باید با ابزارها و ادبیات رایج اداری به قوانین و دستگاه های موجود استناد کنی. همان گونه که اگر من و شما با همسایه مان دچار اختلاف و مشکل بشویم و یا مورد سرقت قرار بگیریم بدون در نظر گرفتن ایرادات وارد بر سیستم قضایی، بدون توجه به ماهیت دادگاه و شخصیت حقیقی قاضی نشستیم در دادگاه، وارد می شویم و می گوئیم آقای قاضی... در آن لحظه ما برای حل مشکل خود با آن جایگاه و آن شخصیت حقوقی نشستیم بر آن صندلی سر و کار داریم نه با شخصیت واقعی و خصوصیات اخلاقی قاضی و اشخاص حاضر.

در بیانیه گفته شده است: "نمایندگان کارگری شورای عالی کار"؛ روشن است یعنی کسانی که روی این صندلی ها نشستیم اند. در تمامی بیانیه نامی از کانون شوراها یا شورای اسلامی کار برده نشده و در هیچ جا نیز گفته نشده اینها نمایندگان واقعی یا نمایندگان تمام کارگران ایران هستند. اما از عملکرد آن ها، تنها و تنها از عملکرد سال جاری یعنی ترک جلسه و امضا نکردن مصوبه ای که خیانت به کارگران است حمایت یا مورد تشویق قرار گرفته شده. همه کارگران و در هر موقعیت باید بدانند که به هیچکس چک سفید یا تایید همیشگی داده نمی شود. عمل نادرست آنان تقبیح و محکوم و عمل درست مورد قدردانی واقع می شود. نام شخص و نام تشکل هم آورده نشده. از ilo دوستان منتقد می گویند در بیانیه سه جانبه گرایی مورد تایید است؟! در قانون کار و ادبیات رایج، متاثر از

سه جانبه گرایی نام برده می شود. امروزه عقب مانده ترین کارگران و حتا مردمان کوچه و بازار هم می دانند دولت ها یا نماینده و کارگزار سرمایه داری هستند. در ایران که اظهر المن الشمس است و مسئولان دولتی اغلب خود سرمایه دار و سرمایه گذار (به گفته دروغین کارآفرین و فعال اقتصادی) هستند. بر کسی پوشیده نیست که نمایندگان چنین دولتی نمی توانند بی طرف باشند. اما مساله این است که در شرایط و توازن قوای فعلی حتا همان سه جانبه نیز گامی به جلو برای اندکی فاصله گرفتن از عمق دره فقر است. موضوع این ilo گرایی صوری و مورد نظر بیابیه کوتاه "سه جانبه گرایی" نیست و فرصت بازگویی دوباره و تکراری ماهیت سه جانبه گرایی را نمی تواند هم نیست بلکه استفاده از یک ابزار است برای برداشتن ilo داشته باشد. این به معنای تایید سه جانبه گرایی یا حتا یک گام در زمینی که ما قواعد آن را تنظیم نکرده ایم. آیا شما در زمینی دیگر و قواعدی دیگر می توانید بازی کنید؟ اگر پاسخ آری است این گوی و این میدان؛ به ما هم آموزش دهید. دوستان ایراد گرفته اند که این بیابیه شورایی عالی کار را تایید می کند! در حالی که در همان ابتدای بیابیه با صراحت گفته میشود شورایی عالی کار ایراد ساختاری دارد و باید به نفع کارگران اصلاح شود

بلی دوستان. ایرادهایی که در رابطه با تایید و حمایت نمایندگان کارگری شورایی عالی کار، تایید سه جانبه گرایی و پذیرش و تایید شورایی عالی کار و ... گرفته اید، جملگی از ظن شما برمی خیزد. با دانش و ادبیات امروزی چنین برداشت هایی از متن بیابیه مستفاد نمی گردد. می توان گفت در جامعه و برهه ای که در آستانه تغییر و تحولات اساسی و ساختاری است این گونه سخن گفتن و استفاده از این ادبیات واپس گرایانه و بازدارنده است. اما در چنین شرایطی قرار داریم؟

و سخنی دیگر؛ دوستانی که این فرم اعتراض را بازدارنده و عقبگرد یا گمراه کننده می دانید؛ بهتر نبود بجای این همه اتلاف وقت در نقد و بدگویی و اتهام زنی در عمل یک گام رادیکال برداشته و به امضاکنندگان بیابیه راه های عملی تر و بهتر اعتراض را نشان می دادید؟

چند پرسش نیز از دوستانی که انتقاد می کنند این بیابیه با درخواست مذاکره مجدد و بازنگری در این مصوبه، در عمل شورایی عالی کار و ساختار آن را به رسمیت شناخته و لذا سزاوار آن لعن و نفرین ها و بازجویی ها هستند. عزیزان شما و شماری دیگر از نهادها و کمیته هایی که هر ساله در مقطع تعیین مزد بیابیه صادر می کنید و خواهان مزدهایی خوب و بالاتر از خط فقر می شوید و یا بیان می کنید مزد نباید کمتر از فلان مبلغ باشد. منظورتان چیست؟ این مزد پیشنهادی شما برای چه زمانی در نظر گرفته شده و کدام نهاد باید تصویب کند و به کارفرمایان حکم بدهد که این مزد را به کارگران پرداخت کنند؟ شورایی عالی کار یا نهاد دیگری؟ آن نهاد کی و چگونه عینیت می یابد؟ کدام نیرو ها با کدام استعداد قرار است این عینیت را متحقق کنند؟ اگر برای امروز است و از شورایی عالی کار فعلی خواسته می شود آیا با این درخواست آن را به رسمیت شناخته اید؟ شورایی عالی کار فعلی را که نه شما قبول دارید و نه ظرفیت و تمایل تصویب چنین مزدی را دارد. تا کنون حتا یک بار هم شده بعد از صدور این بیابیه ها و اجرا نشدن آن ها در عمل، به میدان بیابید و پیگیری کنید که چرا اجرا نشده؟ یا از کارگران بپرسید به چه دلیل پیگیر اجرای این بیابیه ها نبوده اند؟ این بیابیه ها که خود می دانید اجرایی هم نیست به چه منظور صادر می شود؟ اگر

منظور آگاهی رسانی بوده نتیجه این آگاهی رسانی دست کم ده ساله چه بوده؟ برای دریافت اجر اخروی است یا آینده ای که مصالحش را تاکنون فراهم نکرده اید؟

کاظم فرج الهی - اردیبهشت ۹۹